

نیاز ملی و داده های سیاسی امروز جامعه ایرانی

بر همگان پر واضح است که ایران امروز در گردابی تاریخی فرو رفته و شیرازه فرهنگی - اجتماعی از هم پاشیده شده است . مثنی آخوند جنایت و چپاولگری را به اوج خود رسانده و اقتدار مطلق و بی چون و چرای خود را بر اساس فرهنگی باطل و ضد بشری بر مردم تحمیل نموده اند .

در برابر این مشکل ملی فرد فرد ما ایرانیان موظف به تلاش در درک نیاز ملی و تجزیه و تحلیل درست داده های سیاسی برای حرکتی سازنده و مفید برای نجات ایران و ایرانی هستیم . برای درک نیاز ملی ، بینشی واقع بینانه بر اساس داده های سیاسی ، و نه اتکا و پایبندی به ایمان و اعتقاد مذهبی و یا فلسفی ، باید داشت . آنچه جامعه ایرانی امروز نیازمند است ، مدینه فاضله ای هرگز دیده نشده و تخیلی نیست ! نیاز مردم ایران خروج از این گرداب مرگ آفرین و یافتن ساحلی آرام برای رشد و تکامل است .

این نیاز را چگونه و به توسط چه کس و یا کسانی بر آورده می توانیم بکنیم ؟ ... آیا مردمی که در تنگنای چنگال دژخیمان و آغشته به فرهنگ نادرست تحمیلی هستند ، می توانند ناجی خویش باشند ؟ ... آیا به انتظار رام شدن گرگ و گرگ زاده هستیم ؟ ... و یا به انتظار فرجی از عالم فرض و خیال ؟ ... و یا به انتظار ترحم و کمک ابرقدرتی دلسوز ??? ...

متأسفانه در جامعه سیاسی ایرانی ، چه در داخل و چه در خارج ، برخی مطلق گرایانه و فرقه گرایانه به امید و انتظار رسیدن به مدینه فاضله خویش هستند ، برخی مردم را مقصر اصلی نابسامانی و مسئول به ترمیم اوضاع می دانند ، برخی هنوز ماهیت و ذات پلید رژیم آخوندی را نشناخته اند و به انتظار رام شدن و یا اصلاح آنند و بالاخره برخی دیگر بخاطر بی شهامتی و یا کاستی سیاسی به انتظار فرجی از عالم فرض و خیال و یا ابرقدرتی دلسوز می باشند !!! ... نتیجه این بینشهای سیاسی را همگان می دانند . از طرفی ادامه زجر و درد مردم و نابودی فرهنگ و میهن مان ایران و از طرفی دیگر انفعال ، بی اعتمادی و بدبینی مردم به یکدیگر و از همه زشت تر بی احترامی و بی اعتمادی مردم به هنر و علم سیاست بوده است !!!

بر آنچه تا اینجا آمد ، بسیاری از ایرانیان واقفند . تلاش ما تنها در بیان دوباره این داده ها نیست . بلکه جنبش آشتی ملی بر این باور است که نقد آنگاه سازنده خواهد بود که جایگزینی نیز ارائه شود و در یافتن دلایل اصولی کمبودها و کاستی ها تلاش بعمل آید .

جامعه سیاسی ایرانی ، بر اساس رسالتی که بر عهده دارد ، می تواند و باید از فرصتهای سیاسی و از تجارب سیاسی خویش برای طرح ریزی برنامه ای واقع گرایانه و قابل اجرا استفاده کند . نیروهای سیاسی را بسیج نموده و بر حول محوری مشترک و با استفاده از نیروی لایزال مردمی ضربه مرگ بار را بر پیکر فاسد و پوسیده رژیم نامشروع آخوندی بزند . تجزیه و تحلیل سیاسی - فلسفی و انفعال سیاسی برآورده هیچ سیاستمداری در مرحله مبارزه کنونی نیست . جامعه ایرانی به انتظار برنامه ای مشخص و آینده ای ترسیم شده و قابل قبول است و به کرات تاریخ نشان داده است آنگاه که مردم هدفی را برگزینند ، هیچ نیرویی قادر به جلوگیری از جنبش مردم برای رسیدن به آن هدف نخواهد بود !

یکی از دلایل انفعال و نازایی جامعه سیاسی را می‌توانیم در فرهنگ تحمیلی آخوندی بیابیم. جای تاسف است که ایمان مذهبی و یا فلسفی که یکی از اخلاقیات فرهنگ آخوندی است، در جامعه روشنفکر ایرانی رخنه کرده است و اساسی در مناسبات اجتماعی شده است. اتکا و اصرار به ایمان و اعتقاد عقیدتی در علم سیاست و در مناسبات اجتماعی موجب مطلق‌گرایی و تکامل ناپذیری برخی از محافظ شده است. خروج ایمان و اعتقادات عقیدتی (مخصوصاً مذهبی) از حیطه خصوصی و تحمیل آن و قرار دادن آن به عنوان شاخصه‌ای برای مناسبات اجتماعی و سیاسی به معنای خود پرستی آخوندی و بی‌احترامی به حقوق هم‌نوع است.

در مقابل این فرهنگ و اخلاق نادرست، فرهنگ دموکراسی مبنای سنجش و تصمیم‌گیری را در مناسبات اجتماعی ایمان و یا اعتقادی عقیدتی قرار نمی‌دهد بلکه تنها احقاق حقوق هم‌نوع در جامعه مد نظر است. به عبارتی روشنتر برای طرح و یا اجرای برنامه‌ای آنچه مهم است، ضایع نشدن حقوق و آزادی افراد جامعه است و نه پایبندی به ایمانی و یا اعتقادی فرضی و تخیلی! در جامعه ما متأسفانه حتی مدعیان به دموکراسی هنوز فرهنگ دموکراسی را در عملکردهای خود پیاده نکرده‌اند و هنوز ایمان و اعتقاد شخصی و یا گروهی به منافع و حقوق افراد جامعه ترجیح داده می‌شود. چیزی که موجب رکود و سکون در جامعه سیاسی و بی‌اعتمادی و زده‌گی مردم از سیاست شده است!

در این شرایط بحرانی و در این وانفسای سیاسی، آشتی ملی به معنای همبستگی و ائتلاف سیاسی با خصلتی دموکراتیک برای به تحقق رساندن منافع و آرمانهای ملی تنها راه خروج از این بن‌بست است. سیمان این وصلت سیاسی پایبندی به فرهنگ دموکراسی و اصول حقوق بشر باید باشد تا بتواند تضمین‌کننده دموکراسی در فردای ایران و زاینده‌تشدگی همه‌گیر و ملی برای مدیریت جنبش مردمی در امروز باشد.

بدیهی است که حضور هر چه بیشتر جناحهای سیاسی (که توانسته‌اند منافع و نیاز ملی - میهنی را بر اعتقادات شخصی و گروهی خویش ترجیح بدهند) در این تشکل سیاسی نه تنها موجب قدرت مردمی در جنبش خواهد شد بلکه یار سیاسی جنبش را در صحنه بین‌المللی دو صد چندان نیز خواهد نمود. و آنگاه که تشکل و شورایی با حضور جناحهای مختلف سیاسی، بوجود آمد و توانست پیروزی را برای مردم به ارمغان آورد، می‌توانیم سخن از فراندگی آزاد، پس از سرنگونی رژیم آخوندی، برای تعیین نوع حکومت بزنیم. برپایی فراندگی هدف و یا استراتژیک مبارزه امروز ما نیست. هدف امروز جامعه ایرانی رسیدن به ائتلاف سیاسی مطلوب، سازماندهی جنبش مردمی برای سرنگون ساختن رژیم آخوندی و استقرار نظامی مردم‌سالار است که طبیعتاً در آن نظام مردم تصمیم‌گیرنده خواهند بود.